

ضرورت تحول معاضدت حقوقی در جمهوری اسلامی ایران و فواید آن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۰۶ محمد مهدی مقدادی *

چکیده

امروزه معاضدت حقوقی به عنوان یک حق مهم برای هر انسان و امتیازی قانونی برای هر شهروند و نیز به مثابه یک شرط اساسی برای تحقق دادرسی منصفانه در نظام‌ها و مجامع حقوقی مورد توجه و اهتمام فراوان است. معاضدت حقوقی در مفهوم محدود اما رایج آن، عبارت است از یاری دادن به افراد محروم و بی بضاعت جهت برخورداری از حق و کیل در مراحل قضایی، لیکن در مفهوم جدید و فراگیر آن افزون بر مساعدت در مراحل دادرسی، اقدامات گسترده و فراگیر جهت دسترسی به دادرسی عادلانه و ارتقای فرهنگ حقوقی از طریق آموزش و ارائه خدمات را نیز شامل می‌شود که در این مفهوم، معاضدت حقوقی از قلمرو و تأثیری گسترده برخوردار است و به توانمندسازی حقوقی افراد منجر می‌شود. به رغم اینکه معاضدت حقوقی در کشور ایران از سابقه‌ی دیرین برخوردار است و در مفهوم محدود، در قوانین متعددی از جمله اصل ۳۵ قانون اساسی مورد پیش‌بینی و تأکید واقع شده است، اما چارچوب نظام و سامانه‌ی آن در وضعیت محدود و نامناسبی قرار دارد و بسیاری از مردم نسبت به اعمال حق معاضدت، محروم بوده و حتی کمترین اطلاعات را در مورد آن

ندارند. بنابراین، تحول چنین نهادی و عنایت به سازوکارهای لازم برای آن ضرورتی تردیدناپذیر است. در این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی، ثابت شده است که معاضدت حقوقی بر مبانی ارزشمند حقوقی و اجتماعی و نیز مبانی و ادله فقهی موجهی استوار است که همین مبانی در واقع بیانگر اهمیت و فوائد چشمگیر این نهاد می باشد. لیکن، از ره آوردهای مهم تحول معاضدت و توسعه سازوکارهای آن، می توان به تسهیل و ساماندهی ارائه خدمات حقوقی رایگان به مستمندان و گروه های آسیب پذیر و دسترسی بیشتر به عدالت، افزایش آگاهی های مردمی و پیشگیری از تخلفات قانونی و کاهش جرائم، توسعه ی کلینیک های حقوقی و ... اشاره کرد.

واژگان کلیدی: معاضدت حقوقی، دادرسی عادلانه، حقوق شهروندی، کلینیک

حقوقی.

مقدمه

معاضدت حقوقی حقی مهم برای هر انسان و امتیازی قانونی برای هر شهروند است، که نه تنها به منزله یک شرط اساسی برای تحقق دادرسی عادلانه^۱ در نظام‌ها و مجامع حقوقی مطرح و مورد عنایت قرار گرفته، بلکه در مقررات و اسناد حقوق بشری به مثابه حقی از حقوق بشر^۲ مورد اهتمام است.

معاضدت حقوقی در اصطلاح (مفهوم قدیمی) عبارت است از یاری دادن به افراد محروم و کم‌درآمد جهت برخورداری از حق وکیل در مراحل قضایی؛ اما در مفهوم جدید و فراگیر آن علاوه بر یاری و مساعدت در مراحل قضایی و دادرسی، اقدامات گسترده و فراگیر جهت دسترسی به دادرسی عادلانه و ارتقای فرهنگ حقوقی از طریق آموزش و ارائه خدمات را نیز شامل می‌شود. به عبارت دیگر، معاضدت حقوقی در این مفهوم (معنای جدید و پیشرفته) از قلمرو و تأثیری وسیع برخوردار است و به توانمندسازی حقوقی افراد توجه دارد. در راستای تأمین دادرسی منصفانه و عادلانه، یک اصل بنیادین و حق مسلم برای هر فرد، حق برخورداری از اطلاعات حقوقی لازم و حق بهره‌مندی و استفاده از وکیل در محاکم است؛ حقی که باید در کلیه مراحل دادرسی و حتی مرحله پیش از دادرسی، تضمین و مراعات گردد.

چنین حقی با استناد اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز در قوانین اساسی برخی کشورها تضمین شده، هم چنان که در برخی قوانین عادی هم بدان اشاره شده است؛ به عنوان نمونه در بند سوم قانون اساسی سوئیس مقرر شده است: «هرکس توانایی لازم را نداشته باشد، حق دارد از معاضدت قضایی رایگان بهره‌مند شود؛ مگر آنکه معلوم گردد در دعوای او به هیچ وجه بخت کامیابی نیست. علاوه بر این تا حدودی که برای دفاع از حقوق او ضروری است، حق دارد به رایگان از خدمات وکیل دادگستری استفاده کند».

بعضی از کشورها نیز به این مهم توجه داشته اند؛ اصل ۲۴ قانون اسپانیا و بند یک ماده ۴۸ قانون اساسی روسیه به معاضدت حقوقی اشاره دارد؛ لیکن در قوانین اساسی بسیاری از کشورها این امر مورد غفلت واقع شده، گرچه ممکن است در قوانین عادی آن را منظور کرده باشند.

این در حالی است که در اسناد و مقررات بین المللی؛ مانند بند سوم ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند سوم ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بند یکم ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، بند یکم ماده ۷ منشور بانجول، بند دوم ماده ۵۵ و بند یکم ماده ۶۶ اساس نامه دیوان کیفری بین المللی، مورد تأکید قرار گرفته است.

گفتنی است کشورهای مختلفی در برابر شناسایی، تأمین و تضمین این حق، مدل‌های مختلفی را در سیاست‌ها و مقررات خود در پیش گرفته‌اند. به گونه‌ای که، در برخی این حق به طور محدود و تنها از طریق نهادهای دولتی و دادگستری و با زمینه‌ها و ظرفیت‌های مختلف تأمین می‌شود. در بعضی دیگر، تلفیقی از دولت و نهادهای غیردولتی خاص، مثل کانون وکلای دادگستری این حق را تأمین و از آن حمایت می‌کنند و در پاره‌ای کشورها کوشش شده چنین حقی با مدیریت دولت توسط مؤسسات مردم‌نهاد و مشارکت‌های مردمی به صورت پیشرو و گسترده انجام شود. یک نمونه گسترده و پیشرو از معاضدت حقوقی در کشور آفریقای جنوبی انجام شده که در آن مراکز مشاوره غیردولتی (از جمله کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی) با حمایت دولت، عهده‌دار ارائه خدمات متعدد و متنوعی هستند، و تجارب موفق‌تری در این زمینه دارند.

معاضدت حقوقی در کشور ما با سابقه‌ای دیرین، ولی در مفهوم محدود (قدیمی) در مقررات متعددی پیش‌بینی و مورد تأکید قرار گرفته است. باید یادآور شد که این مسئله، دارای مبانی دینی و مستندات فقهی تردیدناپذیری است که بر پایه این مبانی، هم جنبه

شرعی و اخلاقی آن متجلی می‌گردد و هم ضرورت اهتمام به آن دو چندان می‌شود، لیکن این مبانی و مستندات به رغم اهمیت، تاکنون در هیچ نوشتاری به صورت مدون ارائه نشده است.

البته باید اذعان داشت که نظام و سامانه معاضدت قضایی و حقوقی در کشورمان در وضعیت مناسبی قرار ندارد؛ بسیاری از مردم از برخورداری از حق معاضدت محروم بوده و حتی کمترین اطلاعاتی در مورد آن ندارند. در نتیجه باید اذعان کرد که فقر حقوقی مردم چندان مورد توجه نبوده و تلاش شایسته برای رفع آن و توانمندسازی حقوقی انجام نشده است که این امر خاستگاه مشکلات متعددی در ابعاد مختلف برای مردم، جامعه و دولت از آن جمله عدم احترام به قانون، عدم رعایت حقوق دیگران، تضییع حقوق افراد کم‌توان، افزایش اختلاف و تورم پرونده‌های قضایی می‌باشد.

نباید تردید کرد که دولت به لحاظ وظایف مهم خود و محدودیت در امکانات و منابع، بدون داشتن قانونی جامع و به‌روز در خصوص نهاد معاضدت حقوقی و ابزارهای آن، و بدون بهره‌گیری از مشارکت و نهادهای مدنی و مؤسسات مردم‌نهاد، توفیقی در این باره نخواهد داشت. از این‌رو لازم است راهکارهای مطلوب و مناسب در این باره ارائه شود.

این در حالی است که در بسیاری از کشورها از جمله در هند، آفریقای جنوبی، اروپا و آمریکا با تحول در معاضدت حقوقی و با منظور داشتن مشارکت‌های مردمی و حتی تصویب قانون جامع معاضدت حقوقی، نتایج و دستاوردهای ارزشمندی حاصل شده و ضمن ارتقای فرهنگ حقوقی جامعه، حجم زیادی از مشکلات متعدد محاکم و بار سنگین قوه قضاییه کاهش یافته است.

از این‌رو، در این نوشتار تلاش می‌شود پس از ارائه و توضیح کلیاتی پیرامون این نهاد، ضرورت تحول معاضدت حقوقی و فواید آن بررسی گردد و سپس ابزارها و راهکارهای

آن، به‌ویژه کلینیک‌های حقوقی توجیه و تبیین شود.

۱. مفهوم، ماهیت و جایگاه معاضدت حقوقی

به منظور بررسی مبانی و ارائه‌ی راهکارهای تحول و ارتقای معاضدت حقوقی، در ابتدا لازم است مفهوم و ماهیت معاضدت حقوقی، و سپس جایگاه آن، تبیین و تحلیل شود، که در ادامه طی سه بند به تشریح هریک می‌پردازیم.

۱.۱. مفهوم معاضدت حقوقی

واژه «معاضدت» از حیث لغت‌شناختی به معنای یکدیگر را «یاری کردن»، «کمک کردن» و «بازوی یکدیگر بودن» می‌باشد (معین، ۱۳۶۱: ۴۲۱۳). بنابراین، از واژه «معاضدت حقوقی» مفهوم کمک کردن به فرد نیازمند در طول جلسه رسیدگی، در جهت تحقق برابری و عدالت استنباط می‌شود.

این در حالی است که واژه مزبور در اصطلاح حقوقی دو مفهوم محدود (مضیق) و گسترده (موسع) را به خود اختصاص می‌دهد.

در مفهوم خاص و محدود، معاضدت حقوقی به معنی مساعدت و یاری دادن به افراد محروم و کم‌درآمد جهت برخورداری از حق و کیل در مراحل قضایی است که این مفهوم در مقررات داخلی ما مورد توجه قرار گرفته؛ به گونه‌ای که مطابق ماده ۹۶ آئین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری (مصوب ۱۳۳۴)، معاضدت قضایی ارائه خدمات مشاوره حقوقی و وکالت به افراد فاقد تمکن مالی است.

بنابراین، به موجب اصل اول حقوق اساسی راجع به نقش وکلا که مقرر می‌دارد: «همة افراد حق دارند از معاضدت و کیل منتخب خود برای احراز حقوق‌شان در تمام مراحل دادرسی کیفری بهره‌مند شوند. حق بر وکیل معاضدتی زمانی پررنگ‌تر می‌شود که فرد در بازداشت به سر ببرد». در واقع، معاضدت حقوقی، حقی است که فرد یا افراد نیازمند در

دادرسی، محاکمه یا یک رسیدگی از آن برخوردار است. این حق برای رسیدگی منصفانه در طول دادرسی و اصل برابری افراد در مقابل یکدیگر است و به شخصی تعلق می‌گیرد که هنگام قرار گرفتن به عنوان یکی از طرفین رسیدگی یا محاکمه یا در تعقیب یا ارائه شکواییه، توانایی کافی ندارد، لیکن نمونه بارز و مصداق برجسته حق بر معاضدت حقوقی، حق داشتن وکیل است.

این در حالی است که در مفهوم جدید و فراگیر آن افزون بر مساعدت در مراحل قضایی و دادرسی، تلاش برای ارتقای فرهنگ حقوقی و دسترسی به دادرسی عادلانه را نیز شامل می‌شود. در این مفهوم، معاضدت حقوقی شامل آموزش حقوق به مردم، توانمندسازی حقوقی، گسترش فرهنگ حقوقی و حمایت از افراد محروم و گروه‌های آسیب‌پذیر برای حفظ و احیای حقوق آنان است. به این ترتیب، معاضدت حقوقی در این مفهوم شامل کلیه مراحل دادرسی، پیش‌دادرسی و حتی پس از دادرسی می‌گردد.

از این رو، افزون بر حق برخورداری از وکیل مدافع، در مورد اموری چون؛ هزینه دادرسی، مترجم و... نیز معاضدت حقوقی قابل تصور است که در صورت عدم توانایی یکی از طرفین در تأمین آنها، نمی‌تواند از حق خود دفاع کند و بیم آن می‌رود حق او تضییع شده و دادرسی به طور عادلانه متحقق نگردد، که این امر مخالف عدالت قضایی و کرامت انسانی است.

باید افزود که منظور از برابری نزد مراجع قضایی بدین معنی که افراد می‌توانند عاری از هرگونه تبعیض و بدون در نظر گرفتن رنگ، پوست، نژاد، جنس، مذهب، موقعیت اجتماعی و غیره، دسترسی یکسان به ابزارهای حقوقی برای احقاق حق خود داشته باشند که در صورت نابرابر بودن ابزار، باید تدابیری برای برابر شدن اندیشید، لیکن این تدابیر همان معاضدت‌های حقوقی اعطاشده از طرف قانون به افراد می‌باشد (فضائلی، ۱۳۷۸: ۳۲۶ - ۳۲۸ و

۳۷۴ - ۳۷۸). حق برابری طرفین در بسیاری از مقررات کشورها و نیز اسناد بین‌المللی حقوق بشری پیش‌بینی شده است؛ هم‌چون کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ردیف ب بند سوم ماده ۶) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (ردیف دو بند دوم ماده ۸) میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی (ردیف ب بند ۳ ماده ۴) اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری (ردیف ب بند یکم ماده ۶۷).

۱.۲. ماهیت معاضدت حقوقی

با عنایت به مفهومی که از معاضدت حقوقی بیان شد، این نهاد به مثابه حقی مهم برای هر انسان ناتوان و نیازمندی (فارغ از هرگونه تبعیض) تلقی می‌گردد و از این رو است که به عنوان یک حق بشری نیز در مقررات بین‌المللی حقوق بشری، از جمله میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی مصوب و مندرج شده؛ همچنان که این حق به مثابه حق شهروندی نیز مورد توجه و تأکید است.

در بند سوم از ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب پانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی آمده است: «محاكم و دادسراها مكلفند حق دفاع متهمان و مشتكي عنهم را رعايت کرده و فرصت استفاده از وكيل و كارشناس را براي آنان فراهم آورند». این در حالی است که حق مزبور، در بند ۳-۸۷ پیش‌نویس منشور حقوق شهروندی نیز مندرج گردیده است.

هم‌چنین به عنوان یک حق شرعی برای نیازمندان و وظیفه‌ای برای دولت و نیز افراد توانمند (در قالب واجب کفایی) متجلی می‌گردد

به هر روی، برای تأمین دادرسی منصفانه و عادلانه، يك حق مسلم براي هر فرد، حق برخورداری از اطلاعات حقوقي لازم و حق بهره‌مندی و استفاده از وكيل در محاكم، و در کلیه مراحل دادرسی و حتی مرحله پیش‌دادرسی است. از این رو، حق داشتن وکیل و تأمین

ارتباط آزادانه با او را به عنوان شاخص‌ترین تضمین برای حقوق مظنون و متهم در روند منصفانه دادرسی دانسته‌اند (فضائلی، ۱۳۷۸: ۴۳۶).

لیکن معاضدت حقوقی، نسبت به دولت و نیز کلیه فعالان حقوقی (مشاوران، وکلا و متخصصان امر دادرسی و قضا)، به مثابه یک وظیفه و تکلیف قلمداد می‌شود که این مطلب بر پایه مبانی و ادله معاضدت حقوقی قابل توجیه و اثبات است.

۱.۳. جایگاه معاضدت حقوقی

حق بر معاضدت حقوقی یکی از مهم‌ترین حقوقی است که برای تشکیل یک دادرسی عادلانه لازم می‌باشد. از این رو در اسناد و کنوانسیون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به معاضدت حقوقی توجه موکدی شده است. البته شاید بتوان گفت که این حق غالباً در مفهوم کلاسیک و محدود آن در اسناد و مقررات بین‌المللی ذکر شده است.

در قوانین داخلی کشورها نیز در پرتو اسناد بین‌المللی و با توجه به نقش و جایگاه معاضدت حقوقی در تأمین دادرسی منصفانه و عادلانه، و به عنوان یک حق مسلم برای هر فرد، در قوانین اساسی آنها تضمین شده است.

البته کشورها در برابر شناسایی و تضمین این حق، مدل‌های مختلفی را در سیاست‌ها و مقررات خود در پیش گرفته‌اند. در برخی کشورها این حق فقط از طریق نهادهای دولتی و دادگستری تأمین می‌شود. بی‌گمان در این روند معاضدت حقوقی نمی‌تواند گستردگی و فراگیری داشته باشد و همواره با نارسایی‌ها و محدودیت‌های مختلفی همراه است. در بعضی دیگر از کشورها تلفیقی از دولت و نهادهای غیر دولتی خاص، مثل کانون وکلای دادگستری، این حق را مورد حمایت قرار می‌دهند.

این همکاری‌ها سبب تحول و توسعه نسبی معاضدت و ارتقای کمی و کیفی آن شده است؛ اما غالباً توسعه مطلوب و نتایج لازم را در پی ندارد. در پاره‌ای کشورها نیز کوشش

شده این حق بنیادین با مدیریت و همکاری دولت و سیستم قضایی با مشارکت‌های مردمی، مراکز علمی و مؤسسات مردم‌نهاد به صورت گسترده انجام شود که بهترین نتایج را رقم زده است.

معاضدت حقوقی در کشور ما در وضعیت محدود و نامناسبی قرار دارد و بسیاری از مردم از برخورداری از حق معاضدت محروم بوده و حتی کمترین اطلاعات را در مورد آن ندارند، وظایف سازمان‌ها و نهادها، قضات و کانون‌های وکلا و... مشخص و منسجم نیست و این خود باعث مشکلات عدیده، به‌ویژه در روند دادرسی عادلانه می‌باشد و متأسفانه هیچ برنامه منسجم و همکاری مطلوبی در این باره وجود ندارد.

البته در سالیان اخیر تلاش‌های مقطعی نسبتاً خوبی صورت گرفته که بیشتر آن‌ها ناکافی و کم‌توفیق بوده‌اند؛ نمونه بارز آن، استقرار مشاوران حقوقی در مجتمع‌های قضایی و ایجاد کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی در برخی مراکز علمی از جمله در دانشگاه مفید، دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه تهران است؛ از باب نمونه، در کلینیک حقوقی دانشگاه مفید به عنوان نخستین و گسترده‌ترین کلینیک حقوقی در جمهوری اسلامی ایران، ارائه مشاوره و خدمات حقوقی رایگان (به صورت حضوری و تلفنی) در زمینه حقوق خانواده (ازدواج، طلاق، حضانت، حقوق و تکالیف زوجین، حقوق زن، حقوق کودک و...)، حقوق کیفری، حقوق کار، حقوق ثبت و مشاوره خانواده (روانشناسی)، هم‌چنین تنظیم لوایح، دادخواست، شکوائیه و... به صورت رایگان برای مراجعین، به ویژه تأمین وکیل معاضدتی برای افراد محروم و کم‌درآمد که برای دفاع از حق خود نیازمند به وکیل، که در حال حاضر این امر با همکاری مشاورین محترم کلینیک حقوقی و کانون وکلای دادگستری استان قم انجام می‌گیرد، جزو برنامه‌های اجرایی مربوط به اقشار نیازمند قرار گرفته است.

در این مجال پرسش قابل طرح این است که آیا نهاد مذکور از پیشینه اسلامی و جایگاه

شرعی هم برخوردار است، تا بر پایه آن بتوان از توسعه و قانونمند سازی آن دفاع کرد؟ بی تردید با واکاوی منابع و متون دینی، موردی را به طور صریح درباره معاضدت قضایی نمی‌یابیم؛ به عنوان مثال روایتی یافت نمی‌شود که در آن به طور وضوح دستوری مبنی بر حمایت قضایی یا گماردن وکیل معاضدتی یا تشکیل نهادی جهت مشاوره حقوقی به افراد نیازمند صادر شده باشد.

این بدان جهت است که در زمان پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) ساختار حاکمیت اسلامی به شکل کنونی نبود و نهادهای اجتماعی سامان یافته‌ای وجود نداشت؛ بنابراین شرایط جهت ایجاد سازمان قضایی گسترده و در کنار آن تأسیس نهادی به عنوان معاضدت حقوقی به وجود نیامده بود. از دیگر سو، احکام و روابط حقوقی نیز دارای پیچیدگی‌های عصر حاضر نبودند و همه‌ی افرادی که در محکمه حاضر می‌شدند، با اطلاع از احکام حقوقی ساده آن دوران می‌توانستند از خود دفاع کنند. هم‌چنین، دادرسان و قضات هم مجتهدین جامع‌الشرایطی بودند که به‌خوبی جهت احقاق حق و حمایت از مظلوم تلاش می‌کردند و به معاضدت حقوقی کمتر نیاز می‌شد.

با وجود این، مطالعه و بررسی سیر قضاوت در ادوار اسلامی نشان می‌دهد، معاضدت حقوقی تا حدودی تحت عنوان حسبه و محتسبین ارائه و انجام می‌شد. برخی در این باره معتقدند که حسبه وظیفه‌ای است دینی از باب امر به معروف و نهی از منکر که از مسئولیت‌های حتمی و قطعی حکومت اسلامی به شمار می‌رود. حکومت، افراد صالح و شایسته‌ای را جهت این امر منصوب می‌کند تا مردم را بر طریق مصالح عامه اجبار نمایند. افزون بر این، حکم محتسب متوقف بر تنازع و اقامه دعوا نیست، بلکه به مجرد اینکه ایشان از خلاف و منکری آگاهی یافت، می‌تواند اقدام کند. وی در حقیقت به احکامی رسیدگی می‌کند که سهل و کوچک است و مقام قضاوت والا تر از آن است که به چنین مواردی

رسیدگی کند. بدین جهت محتسب را خادم منصب قضا بر شمرده‌اند، که در بسیاری از دولت‌های اسلامی، سمت احتساب وابسته به مقام قضا بوده است (ابن خلدون، بی‌تا: ۲۲۵-۲۲۶).

به هر روی، چنین مسئولیت خطیری از مهم‌ترین برنامه‌های دینی بوده که به جهت منافع و مصالح عمومی توسط پیشوایان ما توصیه شده و خود نیز بر حسب مبسوط الید بودن عهده‌دار آن بوده‌اند؛ چنان که حضرت رسول گرامی اسلام (ص) و حضرت امیر المؤمنین علی (ع) شخصاً بدان اهتمام داشته‌اند (حجتی کرمانی، ۱۳۷۹: ۴۳۷ و ۴۴۷).

با بررسی آیات و روایات، مفاهیم و آموزه‌های کلی به دست می‌آیند که می‌توانند مبنا و سرچشمه معاضدت حقوقی و توجیه و توضیح خوبی برای چرایی آن باشند. به عبارت دیگر، دین اسلام به جای این که شکل معاضدت حقوقی رایج امروزی را تأسیس کند و درباره آن سخن گوید، بیشتر با توجه به روح و معنای این نهاد، مفاهیم کلی را بیان کرده است که با آن تطابق دارد، اما به شکل و شیوه اجرایی آن نپرداخته است.

همان‌طور که می‌دانیم یکی از ویژگی‌های دین اسلام این است که دارای اصول و مفاهیم ضابطه‌مند و قواعد کلی است که با گذر زمان و به وجود آمدن نهادهای جدید، هم‌چنان بهترین بیان‌ها را برای گفتن دارد و کهنه نمی‌شود. در حدیثی از امام رضا (ع) نقل شده است که ایشان فرمودند: «بیان اصول بر ماست و تطبیق فروع آن بر شماست» (مجلسی اصفهانی، ۱۴۰۳ق: ۲۴۵).

برخی از اندیشمندان در این باره می‌گویند: «متفکران اسلامی عقیده دارند که در دین اسلام راز و رمزی وجود دارد که به این دین خاصیت انطباق با ترقیات زمان بخشیده است؛ عقیده دارند که این دین با پیشرفت‌های زمان و توسعه فرهنگ و تغییرات حاصله از توسعه هماهنگ است. اکنون باید ببینیم آن راز و رمز چیست و به عبارت دیگر آن پیچ و لولایی

که در ساختمان این دین به کار رفته و به آن خاصیت تحرك بخشیده که بدون آنکه نیازی به کنار گذاشتن یکی از دستورها باشد، می تواند با اوضاع متغیر ناشی از توسعه علم و فرهنگ هماهنگی کند و هیچ گونه تصادمی میان آنها رخ ندهد، چیست؟». ضمن آنکه ایشان در ادامه چند عامل را به عنوان راز و رمز این پویایی ذکر می کنند؛ از جمله توجه به روح و معنی اصل اجتهاد در اسلام (مطهری، بی تا: ۱۱۶). می توان گفت: «آیین دادرسی اسلام با توجه به احکام قرآنی و سنت پیغمبر (ص) و ائمه معصومین (ع) بر مبنای احقاق حق، اجرای عدالت و اجتناب از هوی و هوس قرار دارد و باید متناسب با این هدف ها، قواعد و تشریفات در آیین دادرسی مورد توجه قرار گیرد که کشف حقیقت و اجرای عدالت به همراه تسریع در حل و فصل خصومت تحقق یابد، که هنوز حکومت اسلامی راه درازی برای تحقق این هدف در پیش دارد و امید است به سرعت به مدینه فاضله اسلامی دست یابد» (محقق داماد، ۱۴۰۶ق: ۴۷).

بر این اساس چنین استنباط می شود که چون معاضدت حقوقی یکی از تشریفات دادرسی است و می تواند کمک مؤثری به تحقق عدالت و احقاق حق بنماید، باید بیش از پیش در زندگی و روابط اجتماعی مورد عنایت واقع شود.

۲. ضرورت و مبانی حق برخورداری از معاضدت حقوقی

از آنجا که جامعه انسانی بر همکاری، نوع دوستی و خدمت به هم نوع استوار است و دغدغه و آرمان اصلی حقوق هم در جهت برقراری عدالت در چنین جامعه ای است. افزون بر آن، معاضدت حقوقی بر مبنای محکم و تردیدناپذیری استوار است؛ به گونه ای که شاهد بازتاب آن در نظام های حقوقی مختلف، اسناد بین المللی و همچنین قوانین داخلی کشورها هستیم، لازم می آید در ادامه به تبیین برخی از مبانی اجتماعی به منظور لزوم نهاد مزبور بپردازیم.

۲.۱. کرامت انسانی

واژه‌ی «کرامت» از حیث لغت شناختی به معنی «بزرگی و ارجمندی»، «جوانمرد بودن» و «بخشندگی» است (عمید، ۱۳۷۴: ۹۶۸-؛ قرشی، ۱۴۱۲ق: ۱۰۳). در بیان معنای لغوی «کرامت» برخی می‌گویند: «کرامت همان نزاهت از پستی و فرومایگی است. کریم غیر از کبیر و عظیم است. کریم معنایی دارد که شاید در فارسی معادل بسیط نداشته باشد، لیکن اگر ما خواسته باشیم، کلمه کریم را به فارسی ترجمه کنیم، باید چند کلمه را کنار هم بگذاریم تا معنای کریم روشن شود...» (جوادی آملی، ۱۳۶۶: ۲۱). به هر روی، بعضی از لغت‌شناسان بر این مهم اتفاق نظر دارند که «کریم» یا به مفهوم «شرافت نفسانی» یا به معنای «شرافت اخلاقی» است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱۷۱-۱۷۲).

عده‌ای از علما نیز در بیان معنای کرامت بر این باورند که «کریم» دربردارنده همه انواع خیر و نیکی و شرف و فضیلت‌ها بوده و خویشتن را از آلودگی به هر آنچه مخالفت و عصیان در برابر پروردگار است، منزّه و دور می‌دارد (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ص ۱۶۶).

بر این اساس با عنایت به معانی لغوی مذکور چنین استنباط می‌شود که مفهوم حقیقی کرامت، همان شرافت و بزرگواری است که متضاد آن دنائت و پستی است.

این در حالی است که در بخشی از آیات قرآن کریم، از کرامت و ارجمندی انسان و برتری او بر دیگر موجودات سخن به میان آمده است بر اساس نص صریح قرآن، خداوند که خود منبع و مأخذ کرامت است، در آیه‌ی ۷۰ سوره مبارکه‌ی اسراء، به فرزندان آدم نیز کرامت ذاتی بخشیده است، لیکن خداوند در این باره می‌فرماید: «ما بنی آدم را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم». از این رو، چنین مستفاد می‌شود که به صورت فراگیر همه‌ی انسان‌ها از هر نژاد و طیف اعتقادی و فکری و فرهنگی، لباس کرامت بر آنها پوشانده شده است، و در واقع از آغاز خلقت، سرشت انسان

با کرامت عجین بوده است (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۲۰۹). در مقابل در کنار کرامت انسانی ذاتی یا طبیعی که همه انسان‌ها به حکم انسان بودن‌شان از آن برخوردارند و در آن با هم برابرند، نوع دیگری از کرامت با نام کرامت انسانی الهی یا اکتسابی به اثبات می‌رسد که شرف و حیثیت و ارج و ارزش با کوشش و خواست خود انسان به دست می‌آید. شاهد بر این مدعا، سوره مبارکه حجرات آیه ۱۳ است، آن‌جا که خداوند می‌فرماید: «گرامی‌ترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست»؛ بدین معنی که این فطرت در هر انسانی وجود دارد که به دنبال کمال بگردد، لیکن تنهاترین امتیاز و کرامت حقیقی نزد خداوند تقوا است، که از آن طریق انسان می‌تواند از دیگران ممتاز شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۲۷).

کرامت یا منزلت انسانی نیز در همه‌ی اسناد حقوق بشری (البته نه با وسعت دامنه‌ی که در متون اسلامی به خود اختصاص داده است) به عنوان مبنای اصلی مورد عنایت است، و به این نکته توجه شده که انسان، آزاد آفریده شده و از حقوق بشر برخوردار است و باید آن را برای همگان به رسمیت شناخت. ضمن اینکه گوناگونی ظاهری و نژادی و تنوعات محیطی و منطقه‌ای، هیچ تأثیری در بهره‌مندی انسان از حقوق و آزادی‌هایش ندارد و همگان در این زمینه یکسانند؛ به عنوان نمونه ماده اول اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید: «تمام انسان‌ها آزاد متولد شده‌اند و در کرامت انسانی و بهره‌مندی از حقوق با یکدیگر مساوی‌اند». هم‌چنین در کنوانسیون منع شکنجه، به اهمیت کرامت انسانی اشاره شده و بر این مهم تأکید دارد که توسل به شکنجه انسان برای اثبات یک موضوع، خلاف شأن و منزلت آدمی است. در مقدمه این کنوانسیون، بندی آمده که می‌گوید: تمامی حقوق اساسی انسان، از کرامت و منزلت او سرچشمه می‌گیرد و وجود همین احترام و کرامت باعث می‌شود چنین حقوقی را برای انسان به رسمیت بشناسیم.

باید افزود که حق بر معاضدت حقوقی و ایجاد تساوی و برابری در بهره‌مندی از

اطلاعات و امکانات در فرآیند دادرسی نیز یک حق بشری مبتنی بر کرامت انسانی است. ضرورت‌ها و تجربه‌های بشری از بی‌توجهی به شأن منزلت برخی انسان‌ها و بی‌عدالتی‌های موجود در نظام‌های قضایی و ایجاد برابری میان افراد در نظام قضایی، باعث به وجود آمدن حق برخورداری از معاضدت حقوقی برای انسان به ما هو انسان شده است.

بر این اساس می‌توان گفت که انسان‌ها به رغم تمایزات ظاهری و حتی فکری و فرهنگی، همه ذاتاً از حیثیت اجتماعی و حقوق انسانی مساوی برخوردارند و وابستگی‌های قومی و نژادی و طبقه‌ای، موجب امتیاز و برتری نخواهد شد، پس کلیه حقوق و مزایا باید به طور برابر در اختیار انسان‌ها قرار گیرد و اگر مانع یا محدودیتی وجود داشته باشد، باید با تلاش دولت‌ها و ملت‌ها برطرف شود.

۲.۲. انسجام اجتماعی و مشارکت عمومی

یکی از مبانی معاضدت قضایی و حقوقی، انسجام، مشارکت و همبستگی مردم در اجتماع است. در شکل‌گیری و اداره نظام سیاسی و اجتماعی، مشارکت و همبستگی امری مسلّم و اجتناب‌ناپذیر است و اساساً بدون مشارکت عمومی و مردمی، امکان توسعه، رشد و تعالی یک کشور امکان‌پذیر نیست. درواقع از بُعد اجتماعی نیز همبستگی اجتماعی نقش بسزایی در تثبیت و بالندگی هر نظام اجتماعی دارد؛ زیرا جوامع بشری فقط در سایه انسجام و همبستگی اجتماعی می‌توانند به روابط و تعاملات روزمره زندگی خویش پردازند، زبان یکدیگر را بفهمند، مشکلات و نارسایی را درک کرده و با همکاری آن را برطرف نمایند و برای آینده زندگی خود برنامه داشته باشند.

انسجام و همبستگی اجتماعی به معنی استحکام درونی و مترادف با وحدت اجتماعی است. در واقع، احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه که از آگاهی و اراده برخوردار باشند و شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها به طور کلی و حتی

وابستگی متقابل حیات و منافع آنها باشد. به زبان جامعه‌شناختی، همبستگی پدیده‌ای را می‌رساند که بر پایه آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته‌اند و به طور متقابل نیازمند یکدیگر هستند. این در حالی است که مشارکت عبارت است از قبول همکاری آگاهانه و از روی میل و اراده برای رسیدن به یک هدف خاص، به عبارت دیگر شرکت همراه با اختیار در یک عمل جمعی توأم با مسئولیت بر مبنای استفاده از اطلاعات و فرصت‌ها می‌باشد (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۲: ۱۶۵-۱۸۷).

بنابراین، نوع دوستی و کمک به ناتوانان، از عوامل مهم تقویت انسجام و همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی است، لیکن افراد توانمند جامعه باید با همدلی و همبستگی و مسئولیت‌پذیری در جهت رفع خلأها و نیازهای جامعه تلاش کنند و بی‌گمان امداد حقوق و معاضدت قضایی مصداق بارزی در این باره می‌باشد. البته ناگفته نماند در این رابطه مسئله تکافل اجتماعی نیز مطرح است. بدین معنی که هر یک از اعضای جامعه، به عنوان یک فرد و عنصر اجتماعی، در قبال نیازمندان و محرومین جامعه وظیفه و مسئولیتی را عهده دارند و اگر در مسیر زندگی خود با محرومان و دردمندان مواجه شدند، در جهت رفع نیاز آنها باید تلاش کنند؛ خواه نیاز مادی یا فرهنگی یا حقوقی باشد.

به هر روی، یکی از مهم‌ترین پیامدهای همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی تعاون و همکاری و همیاری اجتماعی است؛ زیرا اساس زندگی اجتماعی بر تعاون و همیاری پی‌ریزی شده است. از این رو، قرآن کریم در سوره مبارکه حجرات آیه شریفه ۱۰ برای تثبیت روحیه مشارکت می‌فرماید: «در حقیقت مؤمنان با هم برادرند؛ پس میان برادران‌تان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید، امید که مورد رحمت قرار گیرید». بدیهی است که تعاون یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی را در بر می‌گیرد و بر طبق این اصل مسلمانان موظفند در کارهای نیک تعاون و همکاری

کنند، ولی همکاری در اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم و ستم، مطلقاً ممنوع است، هر چند مرتکب آن دوست نزدیک یا برادر انسان باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۵۳).

افزون بر این، حضرت علی (ع) همه مردم را نیازمند یکدیگر دانسته و این نیاز را همیشگی و همچون نیاز انسان به اعضا و جوارح خویش معرفی می‌کند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: ۳۲۲).

۲.۳. تأمین عدالت و تحقق دادرسی منصفانه

واژه «عدالت» از حیث لغت شناختی به معنای «داد کردن»، «دادگر بودن»، «انصاف داشتن»، «دادگری» و در مفهوم اجتماعی بدین معناست که حقوق افراد رعایت شود و حق هر صاحب حقی به او داده شود (معین، ۱۳۶۱: ۲۲۷۹). از این رو، عدالت تنها عاملی است که جامعه را به تعادل و رفاه می‌رساند و همگان را راضی نگه می‌دارد و به پیکر اجتماع، سلامت و به روح آن، آرامش می‌دهد.

حال یکی از ارکان بنیادین توسعه شایسته و حاکمیت قانون و عدالت «دادرسی عادلانه» به شمار می‌رود. دادرسی عادلانه وصف ترکیبی است و شامل مجموعه معیارها و تضمیناتی که جهت رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی انواع دعاوی نزد دادگاهی صلاحیت دار، مستقل و بی طرف و قابل پیش‌بینی در مکانیزم قضایی پیش‌بینی شده است (بهادری جهرمی، ۱۳۹۳: ۳۲-۹). بنابراین چنین برداشت می‌شود که دادرسی شایسته و محاکمه‌ی شخص در پرتو قانون و با هدف احترام به حقوق شهروندی است که در سایه‌ی آن زمینه تحقق عدالت و ترویج حاکمیت قانون فراهم می‌آید.

دادرسی منصفانه شامل اصول مهمی است که درباره افرادی لازم‌الاجراست که در فرآیند دادرسی و محاکمه قرار می‌گیرند. اصول یادشده، شامل حقوقی است که از پیش از رسیدگی و آغاز مرحله‌ی دادرسی تا صدور حکم قطعی دادگاه و حتی مرحله‌ی بعد از

محاكمه‌ی شخص را در بر می‌گیرد؛ هم‌چون اصل برائت، اصل تساوی افراد در برابر قانون، حق برخورداری از آزادی، حق داشتن دفاع مشروع، حق دسترسی به اطلاعات، حق رسیدگی در دادگاه بی‌طرف و علنی و... که در این میان حق داشتن وکیل و برخورداری از معاضدت قضایی و حقوقی اهمیت ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است.

بی‌تردید چون تمامی انسان‌ها حقوق‌دان نیستند، امروزه یکی از مسائل حاد حقوقی، گزینش و انتخاب وکیل مدافع می‌باشد، که هم در دعاوی جزائی و هم در دعاوی حقوقی و مدنی، حضور فعال وکیل مدافع، عنصری مهم برای تأمین عدالت و تحقق دادرسی منصفانه محسوب می‌شود؛ از این رو، به لحاظ حساسیت‌ها و بار مالی آن (چون بسیاری از طبقات پایین جامعه استطاعت آن را ندارند) در هنجارها و مقررات بین‌المللی، قوانین اساسی و قوانین عادی کشورها مورد تأکید قرار گرفته است.

این در حالی است که از منظر عدالت اجتماعی نیز چون بین افراد نابرابری‌های اقتصادی زیادی وجود دارد، برای اجرای حقوق و برخورداری از امتیازات قانون در میان افرادی که در جامعه نابرابر زندگی می‌کنند، باید فکر و چاره‌ای اندیشیده شود؛ یعنی تلاش برای استحکام مبنای معاضدت‌های قضایی و حقوقی در جامعه است (جعفری، ۱۳۸۵: ۲۵۴).

باید افزود که در قضاوت و دادرسی اسلامی، رعایت موضوع عدالت و حتی جزئیات آن در امر دادرسی و در پرتو دادگری و عدالت‌محوری، به اندازه‌ای مورد اهمیت آموزه‌های دینی واقع شده است که خداوند در آیه ۹۰ سوره مبارکه نحل می‌فرماید: «در حقیقت خداوند به عدل و نیکوکاری فرمان می‌دهد». همچنین در آیه ۵۸ سوره مبارکه نساء نیز می‌فرماید: «خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبش بازدهید و هرگاه میان مردم داوری می‌کنید، به عدل و داد داوری کنید».

این در حالی است که پیامبر اسلام (ص) در رعایت تساوی طرفین دعوی فرمودند:

«هرکس که به قضاوت کردن مشغول است، باید بین اطراف دعوا از جهت اشاره کردن و نگاه کردن و محل نشستشان مساوات برقرار کند» (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۴). حضرت رضا (ع) نیز در این باره فرمودند: «واجب است بر تو که بین دو طرف دعوی رعایت مساوات را بنمایی؛ حتی در نگاه کردن به آنها؛ تا مبدا نگاه کردن به یکی از آنها بیش از نگاه کردن به طرف دیگر باشد» (فقه الرضا، ۱۴۰۶ ق: ۲۶۰).

با مراجعه به کتب فقهی مشاهده می‌شود که با استنباط از ادله‌ی فقهی، فتوا به وجوب یا در برخی موارد استحباب تساوی داده شده است؛ به گونه‌ای که در «جواهر الکلام» چنین آمده است: «رعایت تساوی بین طرفین دعوا واجب است؛ هر چند از جهت درجه شرافت با یکدیگر متفاوت باشند. رعایت تساوی در سلام کردن به آنها و پاسخ دادن به سلام‌شان و نشستن و نگاه کردن به آنها و صحبت کردن با آنها و سکوت در برابر آنها و عدالت در حکم و سایر موارد از انواع اکرام، مثل اجازه ورود و بشایت چهره واجب است» (نجفی، ۱۴۰۴ ق: ۱۴۰).

به هر روی اسلام، در مواردی که در رویارویی دو طرف دعوی که یکی از طرفین برخوردار از قدرت دفاعی کافی و دارای بهترین و کلامی باشد و دیگری فاقد چنین قدرتی است، راهی را توصیه می‌کند که موجب برقراری تساوی میان آن دو شود؛ زیرا شارع مقدس که رعایت عدالت و تساوی در جزئی‌ترین امور مثل نوع نگاه و سلام کردن را واجب کرده است، به طریق اولی رعایت تساوی در قدرت دفاع را هم لازم می‌داند؛ چه اگر این نوع تساوی رعایت نشود، ممکن است آنکه ضعیف است به دلیل عدم توانایی کافی، در دفاع از خود موفق نشود و به ناحق محکوم گردد، پس آنچه بین مطالب فوق با بحث معاضدت قضایی ارتباط برقرار می‌کند، این است که شریعت اسلام با توجه به این که برقراری عدالت قضایی و رعایت تساوی بین طرفین اهمیت ویژه‌ای دارد.

۲.۴. پیشگیری از اختلافات و ناهنجاری‌ها

جوامع بشری کم و بیش گرفتار آسیب‌ها و مشکلات متعددی هستند؛ از این‌رو تلاش می‌شود بهترین برنامه‌ها و اقدامات برای حل مشکلات و رفع آسیب‌ها منظور گردد. در این میان، تدابیر و برنامه‌های پیشگیرانه به علت تأثیر بهتر و بیشتر، و هزینه‌ها و پیامدهای منفی کمتر، همواره در اولویت قرار دارد.

از آن‌جا که معاضدت حقوقی (در مفهوم گسترده) صرفاً به برنامه‌های دارای جنبه درمانی؛ یعنی مساعدت و کمک در فرآیند دادرسی محدود نمی‌شود، بلکه با برنامه‌های آموزشی و ارتقای فرهنگ حقوقی به پیشگیری و کاهش اختلافات منجر می‌شود، بسیار مطلوب و موجه می‌نماید.

مراجعه به دادگاه و حل و فصل دعاوی از طریق دادرسی قضایی و صدور و اجرای حکم، بهترین راه حل برای احقاق حق و اداره جامعه نیست؛ بلکه پیشگیری و نیز استفاده از شیوه مسالمت‌آمیز حل اختلاف که با اجرای مناسب معاضدت حقوقی میسر و فراهم می‌گردد، بهتر و به صلح و عدالت نزدیک‌تر است و به طور چشمگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی می‌کاهد.

تردیدی نیست که ریشه‌های اصلی مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی، عدم آموزش مردم و فقدان آگاهی‌های لازم در آنان است، مردم حق برخورداری از آموزش دارند و در برابر، دولت و دانیان مکلف‌اند که اقدامات و حمایت‌های مناسب را در این راستا فراهم آورند.

متأسفانه این وظیفه‌ی مهم، به لحاظ کم‌توجهی دولت‌ها یا اهتمام و اولویت‌بخشی آنان به امور دیگر، یا بی‌دقتی در به‌کارگیری روش‌های صحیح و مؤثر، به طور شایسته انجام نمی‌شود و گاه نیز مغفول می‌ماند و در پی آن، به افست حرکت فرهنگی، کاستی

رضایت مندی مردم و بروز مسائل و معضلات عدیده‌ی اجتماعی منجر می‌شود؛ به عنوان نمونه، بسیاری از اقشار محروم و آسیب‌پذیر به دلیل عدم آموزش و نداشتن اطلاعات کافی، از دسترسی به عدالت محروم‌اند و در زندگی شخصی یا اجتماعی با مشکلات و اختلافات بسیاری روبرو می‌شوند، لیکن معاضدت حقوقی که در مرحله پیش‌دادرسی بر آموزش حقوق به همگان تأکید دارد، سیاستی موفق در این مسیر می‌باشد.

اهمیت موضوع تا جایی گسترش می‌یابد که در سیاست قضایی اسلام نیز به این مهم توجه شده و نتیجه مراعات بسیاری از احکام در باب معاملات این است که از بروز اختلاف جلوگیری می‌کند؛ به عنوان نمونه، احکامی که بیان می‌دارند مبیع باید از هر حیث معلوم باشد یا در بیشتر عقود باید مدت به طور صریح و روشن معلوم باشد (خمینی، ۱۴۲۱ق: ۴۹۱-۵۹۷) و احکامی از این قبیل، همگی باعث می‌شوند از وقوع معاملات مبهم و اختلاف‌برانگیز جلوگیری شود و از این طریق با کاهش اختلافات و کم شدن رجوع به محاکم، آمار پرونده‌های قضایی نیز کاهش یابد.

این در حالی است که به منظور پیشگیری از وقوع اختلاف میان انسان‌ها، خداوند در آیه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره؛ یعنی طولانی‌ترین آیه قرآن کریم، پس از سخن در مورد شیوه معامله کردن، دستور به نوشتن قرارداد و شاهد گرفتن بر آن می‌دهند، و می‌فرمایند: «این، نزد خدا به عدالت نزدیک‌تر، و برای شهادت مستقیم‌تر، و برای جلوگیری از تردید و شك (و نزاع و گفتگو) بهتر می‌باشد».

با توجه به این که امروزه معاضدت حقوقی می‌تواند نقش مهمی در این مسیر داشته باشد، می‌توان استنباط نمود که تا چه اندازه از دیدگاه شریعت اسلام پسندیده و مطلوب است. اگر نهاد معاضدت حقوقی و قضایی به طور گسترده‌ای فعال باشد و افرادی که دارای اطلاعات کافی نیستند یا توان مالی برای مشورت گرفتن از حقوقدانان را ندارند، به مشاوران حقوقی

دسترسی داشته باشند و قراردادهای و اوضاع و احوالشان را با نظر آنان تنظیم کنند، تأثیر بسزایی در کاهش اختلافات بعدی می‌گذارد و در صورت بروز اختلاف نیز وجود قراردادی که بدون ابهام و با شیوه حقوقی صحیح تنظیم شده است، قاضی را در کشف سریع حقیقت کمک می‌کند و با صدور سریع‌تر حکم، اختلافات هم زودتر خاتمه می‌یابند. البته باید افزود که مبانی معاضدت حقوقی در فقه اسلامی فراتر از موارد فوق بوده و با ادله دیگری هم؛ از جمله وجوب تعلیم و ارشاد جاهل، امر به معروف و نهی از منکر، جلوگیری از خطای قاضی، تعاون بر نیکی، حمایت از نیازمندان و مبارزه با فقر ضرورت و لزوم آن به اثبات می‌رسد.

۳. آثار اجرای مطلوب معاضدت حقوقی

از آن‌چه تاکنون بیان شد، معلوم گردید که حق برخورداری از معاضدت حقوقی بر مبانی ارزشمند حقوقی و اجتماعی و نیز مبانی و ادله موجه فقهی استوار است. لیکن ترسیم درست و مطلوب حمایت از چنین حقی و سازوکارهای مربوط به آن، امری مهم و نیازمند تبیین آثار اعمال آن می‌باشد. بدین جهت لازم است ابتدا این آثار تبیین گردیده و آن‌گاه راه کارهایی به منظور ارتقای اعمال آن مشخص شود. بنابراین، در ادامه به برخی از فوائد و رهاوردهایی ناشی از نهادینه شدن اعمال صحیح نهاد مزبور در جامعه، می‌پردازیم.

۳.۱. ساماندهی و تسهیل ارائه خدمات حقوقی رایگان

با اجرای کامل و مطلوب معاضدت حقوقی در مفهوم موسع آن و بهره‌گیری از ساختار، نهادها و مشارکت‌های مربوط به آن (از جمله همکاری سازمان‌های دولتی و بهره‌مندی از مشارکت مردمی) در سطح وسیع، خدمات حقوقی به نیازمندان ارائه شده و حجم گسترده‌ای از کاستی‌ها و نارسایی‌ها و در نتیجه نارضایتی‌ها برطرف می‌گردد. به عبارت دیگر، با فقدان معاضدت حقوقی در مفهوم موسع آن و عدم ساماندهی و اجرای مطلوب آن

نیازهای مستمندان و اقشار آسیب‌پذیر در احقاق حقوق‌شان و دسترسی به عدالت منصفانه تأمین نمی‌گردد و حتی می‌توان ادعا کرد که اساساً به لحاظ فقدان سامانه‌های مناسب نیازهای آنان حتی شناخته و درک نمی‌شود و بی‌گمان این امر معضلی بزرگ برای جامعه خواهد بود.

۳.۲. افزایش آگاهی‌های مردمی و پیشگیری از تخلفات قانونی

از آن‌چه بیان شد، دانسته شد که معاضدت حقوقی صرفاً مساعدت در تأمین و کیل و هزینه‌های دادرسی نیست، بلکه آن‌چه مد نظر است این‌که با برنامه‌ریزی و توسعه‌ی فرهنگ حقوقی با همراهی دانشگاه‌ها، سمن‌ها، فعالان حقوقی و با مشارکت‌های مردمی، سطح آگاهی حقوقی مردم افزایش یابد که بی‌گمان این امر موجب ارتقای احترام به حقوق و آزادی‌های مشروع دیگران، و به‌ویژه رعایت قانون و هنجارهای حقوقی می‌شود. در نتیجه اختلافات و ناهنجاری‌های اجتماعی و تعرض به مقررات قانونی به نسبت کاهش می‌یابد.

در اینجا لازم است به این نکته اشاره شود که یکی از ریشه‌های اصلی مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی، عدم آموزش مردم و فقدان آگاهی‌های لازم در آنان است، در حالی که مردم حق برخورداری از آموزش دارند و در برابر، دولت‌ها مکلف‌اند، اقدامات و حمایت‌های مناسب را در این راستا فراهم آورند.

اما متأسفانه تاکنون چنین وظیفه‌ی مهمی، به لحاظ کم‌توجهی دولت‌ها یا اهتمام و اولویت بخشی آنان به امور دیگر، و یا بی‌دقتی در بکارگیری روش‌های صحیح و مؤثر، به طور شایسته انجام نمی‌شود و گاه نیز مغفول می‌ماند و در پی آن، به‌افت حرکت فرهنگی، کاستی رضایت‌مندی مردم و بروز مسائل و معضلات متعدد اجتماعی منجر می‌شود.

به هر روی، نظام اداری مطلوب در این جهت نقش اساسی دارد و بار اصلی را بر دوش می‌کشد. لیکن، افراد و خاصه نخبگان جامعه نیز در این باره وظایف مهمی بر عهده دارند.

دولت باید برای افزایش آگاهی‌ها و فرهنگ حقوقی مردم به طور فعال عمل کند تا اجرای نظم و عدالت را در اجتماع هموار کرده و جامعه را در مسیر کامیابی و سعادت قرار دهند. حضرت امیر المومنین علی (ع) در روایتی به انواع زکات اشاره کرده و فرمود: «زکات علم، انتشار آن است...» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۳۹۰) و نیز آن حضرت در نامه‌ای که به قثم بن عباس (کارگزار حکومتی خود در مکه) می‌نویسد، می‌فرماید: «برنامه‌ات را به طوری تنظیم کن که صبح و عصر با مردم جلسه داشته باشی و سوالات آنان را جواب دهی و معالم دین را به مردم عامی بیاموزی و با دانشمندان در زمینه مسائل علمی به گفت و گو و بحث بپردازی» (سیدرضی، ۱۳۸۸: ۳۹۵).

افزون بر آن، امام علی (ع) در آغاز خطبه دیگری می‌فرمایند: «خداوند پیامبر را به هدایت و دین حق فرستاد تا به وسیله او ریشه بیماری‌تان را از بین ببرد و نیز غفلت و بی‌خبریتان را به کمک او به بیداری تبدیل نماید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۱۷).

بنابراین، آموزش در مفهوم کامل آن، با فراگیری و همگانی شدن، نقش اصلی در نهادینه کردن ارزش‌های انسانی چون؛ اخلاق، عدالت، صلح و بردباری و احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی داشته است و جامعه را به مسیر کمال و سعادت سوق می‌دهد و جای تردیدی نیست که این نوع آموزش نیازمند بهره‌گیری از روش‌های مؤثر و خلاق است که در آموزه‌های اسلامی مورد توجه بوده و در شرایط فعلی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

خلاصه این که، آموزش به مردم در معاضدت حقوقی نقش مهم و مؤثری دارد و در واقع، بخش مهمی از معاضدت حقوقی در معنای گسترده‌ی آن می‌باشد. در بسیاری از کشورها فرآیند «آموزش حقوق به همگان»^۵ جزو برنامه‌های اصلی معاضدت حقوقی است که با مشارکت مراکز علمی، کانون‌های وکلا و دانشجویان حقوق در سطوح مختلف جامعه انجام می‌شود.

۳.۳. کاهش پرونده‌های قضایی و افزایش کیفی دعاوی و دادرسی در محاکم

با ساماندهی کامل و مطلوب معاضدت حقوقی و ارائه‌ی تسهیلات و مساعدت‌های لازم به افراد نیازمند و محروم، و همچنین با ارتقای آگاهی‌ها و فرهنگ حقوقی با آموزش حقوق به همگان، از اختلافات، هنجارشکنی و تخلفات قانونی کاسته و احترام به حقوق و آزادی‌های مشروع دیگران افزایش می‌یابد و در نتیجه حجم زیادی از پرونده‌های قضایی کاسته می‌شود.

این در حالی است که با تأمین معاضدت حقوقی؛ از جمله حق داشتن وکیل برای کلیه نیازمندان؛ اولاً از دعاوی واهی و مراجعه‌ی بیهوده توده‌های مردم به دادگستری و مراجع قضایی کاسته می‌شود، چراکه وکلای مجرب ابتدا تلاش می‌کنند مسائل و مشکلات حقوقی را با راه حل‌های بهتر و کم‌هزینه‌تر؛ مانند مذاکره، میانجی‌گری و داوری برطرف کنند، آن گاه اگر امکان نداشت مراجعه به محاکم را برگزینند؛ ثانیاً در طرح دعوای دادگاه، بهره‌گیری از وکیل و مشاور معاضدتی موجب می‌شود که دعوا به درستی و به طور منقح و مستدل تدوین و ارائه شود و این خود موجب افزایش کیفی دعاوی می‌گردد. افزون بر آن، حضور وکیل معاضدتی در فرآیند دادرسی و رسیدگی نیز مساعدت خوبی برای قاضی و محکمه در تشخیص درست، برقراری دادرسی عادلانه و جلوگیری از تضییع حقوق افراد است.

۳.۴. به کارگیری ظرفیت علمی موجود در مراکز علمی و نهادهای مردمی

همان گونه که پیشتر بیان شد، در برنامه‌های معاضدت حقوقی و در جهت ارائه گسترده خدمات حقوقی به اقشار نیازمند جامعه و توسعه‌ی فرهنگ حقوقی، همراهی دانشگاه‌ها، سمن‌ها، فعالان حقوقی جایگاه مهمی دارد، چه این که اساساً بدون آن و با بسنده کردن به امکانات و برنامه‌های دولت و دستگاه قضایی، این امر میسر نمی‌گردد. بخش

عمده‌ای از این مشارکت‌ها، با بکارگیری از توانمندی‌های علمی موجود در مراکز علمی و نهادهای مردمی است که افزون بر فوائدی که تاکنون ذکر شد، موجب ایجاد و رونق همبستگی اجتماعی، رشد و ارتقای دانش کاربردی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و ترویج نهادهای خدمت‌گزار مردمی می‌شود.

۳.۵. افزایش مسئولیت‌پذیری و خدمت به مردم

با ساماندهی و همراهی و مشارکت مراکز علمی، اساتید، دانشجویان، وکلا و مشاوران و... در امر معاضدت حقوقی، مسائل اخلاقی و معنوی هرچه بیشتر در جامعه و میان مردم نهادینه می‌شود و به‌ویژه وکلای جوان و دانشجویان با مسئولیت اجتماعی خود آشنا شده و حس مسئولیت‌پذیری آنان و خدمت به مردم و جامعه شکوفا شده و افزایش می‌یابد.

۳.۶. تأسیس کلینیک‌ها و مراکز مشاوره و معاضدت حقوقی

کلینیک حقوقی یک نهاد علمی و غیردولتی است که نقش بسیار مؤثری در دسترسی به عدالت و افزایش آگاهی حقوق مردم دارد. این نهاد در کنار دانشکده‌های حقوق تأسیس می‌شود، تا ضمن بهره‌گیری از توانمندی‌های موجود در آن‌ها برای خدمت به مردم به‌ویژه اقشار کم‌درآمد، (در راستای معاضدت حقوقی) به آموزش عملی دانشجویان حقوق (از رهگذر کار با موکلین واقعی) اقدام نماید تا دانشجویان ضمن درک واقعیت‌های جامعه با مهارت‌های حقوقی آشنا شوند و درضمن برای تصدی مسئولیت‌های اجتماعی مهیا گردند. از این رو، کلینیک حقوقی می‌تواند نهاد کارآمدی در ارتقای اخلاق حرفه‌ای، فرهنگ حقوقی و معاضدت حقوقی باشد، هم‌چنان که در بسیاری از کشورها موفق نشان داده است.^۱

1 . Available at: <https://www.justice.gov/eoir/list-pro-bono-legal-service-providers-map>

از آن چه بیان شد، استنباط می شود که متأسفانه در کشور ما سطح دانش عمومی و آگاهی های مردمی از حقوق خویش، به ویژه حقوق شهروندی پایین است و این منجر به افزایش اختلاف و فراوانی پرونده های قضایی می گردد، کلینیک های حقوقی با حجم وسیعی از نیروهای کار آموخته می تواند بدون هزینه در سطوح اجتماع با برگزاری جلسات و دوره های آموزشی کوتاه مدت، کارگاه های آموزشی، تهیه بروشورهای علمی و... (در راستای آموزش حقوق به همگان) در افزایش آگاهی ها و کاهش پرونده های قضایی (قضازدایی) فعالیت کرده و موثر واقع شود.

چنین نهادی سبب می شود، حتی افرادی که توانایی پرداخت حق الوکاله را ندارند، پیش از طرح دعوا یا در صورت فراخوانده شدن به محکمه قبل از حضور در برابر قاضی از مشاوره های حقوقی بهره مند شوند و این موجب می گردد که بسیاری از دعاوی به مصالحه ختم شود و نیز دعاوی که به دادگاه کشیده می شود به طور صحیح و منقح مطرح گردد؛ به عبارت دیگر، خدمات کلینیک های حقوقی باعث می شود کمیت پرونده های قضایی کاهش و کیفیت آن ها افزایش یابد و این دستاورد ارزنده ای برای دستگاه قضایی است.

کلینیک های حقوقی خدمات حقوقی رایگان را به اقشار محروم و کم درآمد و نیز گروه های آسیب پذیر (که راه دیگری برای دسترسی به خدمات و برخورداری از حقوق قانونی خود ندارند) ارائه می دهد. از این رو، آن ها ابزاری مهم برای تسهیل دسترسی به عدالت قضایی و اجتماعی محسوب می شوند.

افزون بر این، با فراهم آوردن نیروهای داوطلب، مسئولیت پذیر و کاردان و توزیع آن در سطوح جامعه (از جمله نقاط محروم و جرم خیز، گروه های کارگران، زندانیان و محکومان) و ارائه آموزش های لازم به مردم، نقش مهمی در پیشگیری از جرم و نیز بازآموزی و تربیت افراد معارض با قانون دارد. هم چنین کلینیک ها می توانند نقش سازنده ای

در ارتقای فرهنگ عدالت مداری، مسئولیت‌پذیری و خدمت به مردم داشته باشند.

با توجه به کارآموزی مطلوب دانشجویان حقوق در کلینیک‌های حقوقی، توسعه و تقویت این نهاد، تأثیر مستقیمی بر تولید نیروی انسانی ماهر و متعهد و مسئولیت‌پذیر (به عنوان قاضی، وکیل، کارشناس...) دارد، به‌ویژه در شرایط حاضر که نظام آموزشی حقوق، جنبه کاربردی و واقعی‌گرایی لازم را ندارد.

۳.۷. کاهش نرخ هزینه‌های دولت و دستگاه قضایی

بی‌تردید با ساماندهی و اجرای درست معاضدت حقوقی که بخش عمده آن با مشارکت مردم، فعالان حقوقی، دانشگاه‌ها و سمن‌ها انجام می‌گردد، از یک سو هزینه‌های دولت و دستگاه قضایی کاهش می‌یابد و از دیگر سو، می‌توان ادعا کرد با یک دهم هزینه گسترش مراکز قضایی و استخدام قضات و... در توسعه معاضدت حقوقی، به نتایج بهتری و عملی‌تری می‌توان دست یافت. مطالعه تجارب کشورهای پر جمعیتی نظیر هند، اندونزی و آفریقای جنوبی به خوبی این نکته را تأیید می‌کند.

۳.۸. فراهم شدن نیروهای انسانی متعهد و کارآمد

با ساماندهی و اجرای معاضدت حقوقی در مفهوم جدید و پیشرفته آن؛ از جمله تأسیس کلینیک‌های حقوقی که مبتنی بر همراهی و مشارکت مراکز علمی، اساتید، دانشجویان، وکلا و مشاوران، و ارتقای علمی و عملی آنان در امر معاضدت حقوقی است، به نهادینه شدن مسئولیت‌پذیری و ترویج ارزش‌های اخلاقی و معنوی منجر خواهد شد و به تدریج نیروی انسانی ماهر، متعهد و مسئولیت‌پذیر برای تصدی مشاغل اجتماعی حقوق (قاضی، دادستان، دادیار، وکیل، مشاور و...) تربیت و فراهم می‌شود.

۳.۹. کمک به حل و فصل دعاوی به طرق غیررسمی و مسالمت‌آمیز

با گسترش معاضدت حقوقی و فعال شدن وکلای خیر خواه و خیر اندیش در آن، به

ویژه تأسیس کلینیک‌های حقوقی در مراکز علمی و دانشگاهی، روش‌های غیر قضایی و مسالمت‌آمیز برای حل و فصل اختلافات و رسیدگی به دعاوی مورد استفاده قرار گرفته و رونق مطلوبی می‌یابد. عمده‌ترین روش‌ها شامل مذاکره، سازش، میانجیگری و داوری است که هم هزینه کمتری در بر دارد و هم رضایت و رفاه بیشتر مردم را در پی داشته و از مراجعه سریع و حجیم به محاکم می‌کاهد (درویشی، بی‌تا: ۳۶-۱۰۰).

۳.۱۰. حاکم‌سازی اصول اخلاقی اسلامی و حرفه‌ای

معاضدت حقوقی که بر مبنای نوع دوستی، خیر اندیشی و کمک به محرومین است، باعث رونق همبستگی اجتماعی و ترویج مسائل اخلاقی و معنوی و ارتقای مسئولیت‌پذیری میان فعالان حقوقی می‌شود و آسیب و آفت‌های موجود در میان آنان (نظیر منفعت‌طلبی و نیازدگی) را مرتفع می‌نماید.

۴. سازوکارهای تحول معاضدت حقوقی و ارتقای آن

با توجه به مفهوم جدید و گسترده معاضدت حقوقی که در بردارنده آثار و دستاوردهای مفیدی در جامعه است، لیکن برای رفع کاستی‌های حقوقی و ارتقای فرهنگ حقوقی مردم، شایسته است در ابعاد مختلف و با تشریک مساعی نهادهای دولتی و مردمی برای توسعه مطلوب معاضدت حقوقی تلاش شود. بدین منظور در ادامه به تشریح مهم‌ترین سازوکارها در این زمینه می‌پردازیم.

۴.۱. تدوین قانون جامع معاضدت حقوقی

مقررات مربوط به معاضدت حقوقی در قوانین و مقررات ما به رغم محدودیت و عدم توسعه، در لابلای آنها متعدد پراکنده شده‌اند. این مقررات فاقد بسیاری از ابعاد و ظرفیت‌ها هستند و به شکل بسیار مضیق و محدودی معاضدت قضایی می‌شوند.

درواقع مسئله مهم معاضدت حقوقی که بر مبانی فقهی ارزشمندی نیز استوار است،

آن گونه که بایسته و شایسته است، در مقررات ما منعکس نشده است؛ ازاین رو، از فواید و دستاوردهای خوب آن محروم مانده ایم.

بنابراین، جمهوری اسلامی ایران با وضع قانون جامع معاضدت حقوقی می تواند افزون بر ساماندهی این مسئله و ارتقای فرهنگ حقوقی، دسترسی بیشتر به دادرسی منصفانه را تسهیل و اختلافات و دعاوی را کاهش دهد، ضمن اینکه قانون نمونه و ارزشمندی را در سطح منطقه و جهان عرضه نماید.

۴.۲. حمایت دولت

هماهنگی ها، ایجاد سامانه های معاضدت حقوقی و اجرای برنامه ها و نیز قانون معاضدت حقوقی، مستلزم حمایت های مالی و اداری دولت است؛ ولی از آنجا که حجم هزینه ها کم بوده، بار مالی خاصی برای دولت ایجاد نمی کند.

ازاین رو، وزارت دادگستری با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت کشور و وزارت علوم، می توانند در امر معاضدت حقوقی و به ویژه تأسیس و توسعه کلینیک های حقوقی نقش مؤثری ایفا نمایند.

البته در این بین نهادهای دولتی دیگر و همچنین تشکل های مردم نهاد باید همراهی و همکاری لازم را انجام دهند.

شایان ذکر است اخیراً وزارت دادگستری در اقدامی بی سابقه و ارزشمند و با برنامه ای فراگیر و مشارکتی، ایجاد و توسعه کلینیک های حقوق شهروندی را در کلیه مناطق کشور آغاز نموده است. این کلینیک ها در راستای ارائه مشاوره و آموزش برای ارتقای اخلاق و حقوق شهروندی و رفع آسیب های اجتماعی، براساس تفاهم نامه و همکاری با شوراهای شهر، کانون های وکلا و بسیاری از نهادهای دیگر بنا شده و امید که با مشارکت مردمی، به ویژه همراهی نخبگان و فرهیختگان (از باب زکات دانش) شاهد توفیق و ثمردهی آنها

باشیم (عباسی، ۱۳۹۵: ۱۳۷).

۴.۳. حمایت قوه قضاییه

بدون هماهنگی، همکاری و حمایت قوه قضاییه، تدوین و اجرای قانون معاضدت حقوقی و فعالیت سامانه‌های معاضدت حقوقی، میسر نخواهد بود. در واقع، قوه قضاییه در خصوص معاضدت حقوقی یک نهاد مهم است؛ اگرچه لازم است این قوه محترم در این مسئله به‌خوبی توجیه شده و از تصدی‌گری در آن منع شود و در برابر، با دقت و روشن‌بینی در جهت ارتقا و گسترش معاضدت حقوقی فعالیت و همکاری نماید.

۴.۴. مشارکت نهادهای اجرایی و اجتماعی

افزون بر حمایت دولت و قوه قضاییه، معاضدت حقوقی نیازمند همبستگی، مشارکت و تلاش جمعی سازمان‌ها و نهادهای اجرایی و اجتماعی است. صدا و سیما، مطبوعات، کمیته امداد امام خمینی، بسیج (خاصه بسیج اقشار و اصناف محترم، به‌ویژه بسیج حقوق‌دانان) و نیز کانون وکلا و مراکز مشاوران، از جمله این نهادها می‌باشند که در راستای توسعه معاضدت حقوقی و ارائه خدمات حقوقی، می‌توانند نقش مؤثر و فعالی بر عهده گیرند.

۴.۵. همکاری و مشارکت دانشگاه‌ها و مراکز علمی

همان‌طور که پیشتر در مورد کلینیک‌های حقوقی بیان شد، استفاده از ظرفیت علمی و عملی دانشگاه‌ها و مراکز علمی در امر معاضدت حقوقی یک اولویت، بلکه ضرورت است. این مسئله هم موجب توسعه اخلاق و مسئولیت‌پذیری در آنها شده و به تربیت نیروهای کاردان، خدوم و متعهد کمک می‌دهد، و هم در ارتقای فرهنگ حقوقی و ارائه خدمات علمی و حقوقی به جامعه تأثیر فراوان خواهد داشت.

۴.۶. سایر سازوکارها

در پایان، به‌صورت فهرست‌وار به سازوکارهای دیگر اشاره می‌شود:

الف) تبلیغات و اطلاع‌رسانی به اقشار مختلف در مورد معاضدت حقوقی و سامانه‌های آن؛

ب) توجیه، تشویق و ترغیب و کلا و فعالان حقوقی برای امر معاضدت با برگزاری دوره‌ها، نشست‌ها و سایر برنامه‌های مؤثر؛

ج) شناسایی محرومان و اقشار آسیب‌پذیر و توجیه آنان برای آشنایی با معاضدت حقوقی؛

د) تأسیس دفتر توسعه و نظارت بر معاضدت حقوقی در وزارت دادگستری جهت هماهنگی، سیاست‌گذاری و ارائه خط‌مشی‌ها، برنامه‌ریزی، انسجام‌بخشی، پایش، ارزیابی عملکردها و...؛

ه) اجرای طرح وکیل و مشاور خانواده (در درازمدت) و نیز تخصصی کردن وکالت و مشاوره‌های حقوقی؛

و) تدوین تجارب کشورهای موفق و بهره‌گیری از آنها؛

ز) اجرای طرح وکلا (در مناطق محروم) مانند طرح خدمت پزشکان؛

ح) استفاده از توانایی‌های دانشجویان، خاصه مقاطع تحصیلات تکمیلی حقوق در آموزش حقوق به همگان؛

ط) توسعه روش‌های مسالمت‌آمیز و غیر قضایی برای حل و فصل اختلافات، از جمله مذاکره، سازش، میانجی‌گری و داوری؛

ی) افزودن بحث معاضدت حقوقی به کتب دانشگاهی و آموزش مهارت‌های حقوقی، شامل مصاحبه و اصول مشاوره حقوقی، نگارش حقوقی، میانجی‌گری و کلینیک حقوقی و... به دانشجویان حقوق.

نتیجه

از آنچه گفته شد، این نتایج حاصل می‌شود:

(الف) معاضدت حقوقی در مفهوم جدید و فراگیر آن علاوه بر یاری و مساعدت در مراحل قضایی و دادرسی، اقدامات گسترده و فراگیر جهت دسترسی به دادرسی عادلانه و ارتقای فرهنگ حقوقی از طریق آموزش و ارائه خدمات را نیز شامل می‌شود. در این مفهوم، معاضدت حقوقی از قلمرو و تأثیری گسترده برخوردار است و به توانمندسازی حقوقی افراد منجر می‌شود.

(ب) معاضدت حقوقی یک حق مهم برای هر انسان و امتیازی قانونی برای هر شهروند است (در زمره حقوق شهروندی) و نیز به عنوان یک حق شرعی برای نیازمندان و وظیفه‌ای برای دولت و نیز افراد توانمند قلمداد می‌گردد و از این رو نیازمند اهتمام دوچندان است.

(ج) معاضدت حقوقی در کشور ما با سابقه‌ای دیرین، ولی در مفهوم محدود در قوانین متعددی پیش‌بینی و مورد تأکید قرار گرفته است. اما نظام و سامانه معاضدت قضایی و حقوقی در کشورمان در وضعیت مناسبی قرار ندارد؛ بسیاری از مردم از برخورداری از حق معاضدت محروم بوده و حتی کمترین اطلاعاتی در مورد آن ندارند. در نتیجه باید اذعان کرد که فقر حقوقی مردم چندان مورد توجه نبوده و تلاش شایسته برای رفع آن و توانمندسازی حقوقی انجام نشده است. بنابراین تحول در معاضدت حقوقی در کشور ما و عنایت به سازوکارهای لازم برای تحقق و توسعه آن، ضرورتی تردیدناپذیر است که به برخی از سازوکارهای آن، از جمله تأسیس کلینیک‌های حقوقی و بهره‌گیری از مشارکت‌های مردمی اشاره شد.

(د) معاضدت حقوقی بر مبانی ارزشمند حقوقی و اجتماعی و نیز مبانی و ادله فقهی موجهی استوار است که همین مبانی در واقع بیانگر اهمیت و فوائد چشمگیر این نهاد

می‌باشد. عدالت، همبستگی اجتماعی، ارتقای کرامت بشري و صلح و رفاه از یکسو و از سوی دیگر زکات و ترویج دانش، تکافل اجتماعی، تعاون بر نیکی، رفع فقر و اصلاح امر قضا هم مبنا و هم رهاورد این نهاد ارزنده‌اند.

۵) از رهاوردهای مهم تحول معاضدت حقوقی و توسعه سازو کارهای آن (که به خوبی این ضرورت را توجیه می‌کند) می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تسهیل و ساماندهی ارائه خدمات حقوقی رایگان به مستمندان و گروه‌های آسیب‌پذیر و دسترسی بیشتر به عدالت و در مجموع افزایش رضایت مردم و رفاه جامعه؛ افزایش آگاهی‌های مردمی و پیشگیری از تخلفات قانونی و کاهش جرائم و در نتیجه حاکمیت قانون و توسعه امنیت؛ کاهش پرونده‌های قضایی و افزایش کیفی دعاوی و دادرسی در محاکم؛ استفاده از توانمندی‌های علمی موجود در مراکز علمی و نهادهای مردمی؛ افزایش مشارکت اجتماعی، حس مسئولیت‌پذیری و خدمت به مردم؛ کاهش هزینه‌های دولت و دستگاه قضایی؛ گسترش راه‌ها و شیوه‌های حل و فصل غیررسمی و مسالمت‌آمیز دعاوی و اختلافات و تأسیس و توسعه کلینیک‌های حقوقی و مراکز مشاوره و معاضدت حقوقی با بهره‌گیری از توانمندی‌های نظام آموزش عالی جهت توزیع آگاهی‌های حقوقی در سطوح جامعه و سوادآموزی حقوقی.

منابع

الف) منابع فارسی

قران کریم

۱. ابن ابی الحديد، عبدالحميد بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، قم: مكتبة آيت الله مرعشي النجفي، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.

۲. ابن اثير جزري، مبارك بن محمد، النهاية في غريب الحديث و الأثر، قم: بی نا، چاپ چهارم، ۱۳۶۷.

۳. ابن خلدون، عبد الرحمن، مقدمه ابن خلدون، تهران: علمی فرهنگی، بی تا.

۴. ابن فارس، أحمد، معجم مقاييس اللغة، قم: بی نا، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.

۵. امام رضا (ع)، فقه الرضا، مشهد: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.

۶. باقی نصرآبادی، علی، «همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی دیدگاهها، عوامل تقویت، تهدیدها و راهکارها»، حصون، شماره ۶، ص ۱۶۵-۱۸۷، ۱۳۸۲.

۷. بهادری جهرمی، علی و لطیفه حسینی، «اصول دادرسی عادلانه در پرتو اندیشه اسلامی و نظام حقوق داخلی»، مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال سوم، شماره ۷، ص ۹-۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.

۸. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الكتاب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.

۹. جوادی آملی، عبدالله، کرامت در قرآن، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا، ۱۳۶۶.

۱۰. حجتی کرمانی، علی، سیر قضاوت در ادوار مختلف تاریخ، تهران: آوند دانش، ۱۳۷۹.

۱۱. درویشی هویدا، یوسف، شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف، تهران: بنیاد حقوقی میزان، بی تا.

۱۲. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، ترجمه انصاریان، قم: دار العرفان، چاپ اول، ۱۳۸۸.

۱۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، قم: بی نا، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.

۱۴. طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۱۵. عباسی، محمود و همکاران، کلینیک‌های حقوق شهروندی، از مبانی و خاستگاه تا بستر اجتماعی، تهران: حقوقی، ۱۳۹۵.
۱۶. عمید زنجانی، عباسعلی، مجموعه مقالات به مناسبت روز حقوق بشر، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی و نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۷. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: امیر کبیر، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.
۱۸. فضائلی، مصطفی، دادرسی عادلانه محاکم کیفری بین المللی، تهران: مؤسسه مطالعه بین المللی شهر دانش، ۱۳۷۸.
۱۹. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج۷، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۱۲ق.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار الإحياء التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۱. محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۴۰۶ق.
۲۲. جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۳، تهران: چاپخانه صدری، ۱۳۸۵.
۲۳. مطهری، مرتضی، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، قم: صدرا، بی تا.
۲۴. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۱.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۲۶. خمینی (امام)، سیدروح الله، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۲۷. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.

(ب) منابع انگلیسی

28. Anonymous, Available at: <https://www.justice.gov/eoir/list-pro-bono-legal-service-providers-map>.